

اندازه‌گیری ظرفیت حاکمیت: مفاهیم، مدل و روش اندازه‌گیری

علی‌اصغر فانی^{۱*}، سید یعقوب حسینی^۲، حسن دانایی‌فرد^۳، اصغر مشبکی^۴

۱- استادیار گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲- دانشجوی دکتری گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳- دانشیار گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۴- دانشیار گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۸۹/۷/۲۶

دریافت: ۸۹/۴/۲۶

چکیده

ظرفیت دولت و حاکمیت از جمله مفاهیم جدیدی است که در طول دهه اخیر به ادبیات مدیریت دولتی و علوم سیاسی وارد شده است. ادبیات موجود در زمینه این مفهوم از جامعیت و یکدستی برخوردار نیست. این مقاله قصد دارد تا ابعاد مختلف ظرفیت را مورد واکاوی قرار داده و مدلی برای سنجش آن ارائه دهد. ظرفیت حاکمیت در ابعادی چون ظرفیت یک کشور در طراحی، اجرا و ارزیابی ابرخط‌مشی‌ها و خط‌مشی‌ها تجلی پیدا می‌کند. نکته نوآورانه این نوشتار در ارائه مدلی در باره ظرفیت حاکمیت بوده که در پژوهش‌های پیشین انجام نشده است. در پژوهش‌های پیشین، اندیشمندان بنا به زمینه پژوهشی خود، با نگاهی خرد به موضوع ظرفیت نگاه کرده‌اند و یک نگاه جامع که دربرگیرنده همه ابعاد ظرفیت حاکمیت باشد، مورد توجه نبوده است. این خلأ به وسیله این پژوهش پر شده است.

این مقاله در دو بخش به نگارش درآمده است. در بخش نخست به مرور ادبیات نظری در باره موضوع ظرفیت حاکمیت پرداخته شده و مبانی نظری این مفهوم مورد مطالعه قرار گرفته است. در بخش دوم این مقاله به تدوین مدلی اقدام شده است که به وسیله داده‌های جمع‌آوری شده از کشورهای مختلف مورد آزمون قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: ظرفیت حاکمیت، ظرفیت دولت، ظرفیت اجرا، ظرفیت بخش عمومی، مدل‌سازی معادلات ساختاری.

۱- مقدمه

در ارزیابی حاکمیت‌ها، هر اندیشمندی با توجه به مفروضات خود به تقسیم بندی‌های خاصی دست زده است. یکی از معمول‌ترین تقسیم بندی‌ها، تقسیم حاکمیت‌ها به حاکمیت‌های کارآمد^۱، ضعیف^۲ و ناکارآمد^۳ (ناتوان) است. حاکمیت کارآمد، حاکمیتی است که قادر به تدوین و اجرای خط مشی‌های مناسب و وضع قوانین کارآمد بوده و می‌تواند با کم‌ترین میزان بوروکراسی به اداره امور پرداخته و بر میزان فساد کنترل دارد. این حاکمیت‌ها از سطح بالایی از شفافیت و پاسخ‌گویی برخوردارند [۱]. از سوی دیگر، حاکمیت‌های ضعیف قادر به تدوین خط مشی‌های مناسب، اجرای صحیح آن‌ها، تأمین نظم سیاسی و ارائه خدمات مناسب به شهروندان نیستند و از سطح پایینی از مشروعیت برخوردار هستند. در این حاکمیت‌ها، فساد بالا بوده و تعامل بین بخش خصوصی و دولتی از رویه مناسبی برخوردار نمی‌باشد. حاکمیت‌های ناکارآمد نیز به حاکمیت‌هایی اطلاق می‌شود که در پایین‌ترین سطح از کارآمدی قرار داشته و در تأمین الزامات اولیه مثل امنیت نیز ناموفق بوده‌اند و با بحران‌ها و درگیری‌های قومی و نژادی مواجه می‌باشند [۲، صص ۱۵۵-۱۷۰].

تفکیک و تقسیم‌بندی حاکمیت‌ها در ادبیات توسعه کشورها با ابهام‌های زیادی مواجه است. وجود پارادوکس حاکمیت قوی- ضعیف^۴ نیز گویای همین وضعیت می‌باشد. حاکمیتی که در یک بعد از کارآمدی برخوردار بوده و در بعد دیگری ضعیف می‌باشد. نمونه آن حاکمیتی است که زمینه مقررات از کارآمدی برخوردار بوده ولی در اجرای خط‌مشی‌ها با مشکل مواجه است [۳، ص ۲۰۸].

این مقاله با توجه به این پرسش کلی (چیستی ظرفیت حاکمیت و اندازه‌گیری آن) در سطح تحلیل، پژوهشی تئوری‌محور^۵ است. مدل‌های موجود تحلیل خط‌مشی‌گذاری در تحلیل ناکارآمدی (و یا کارآمدی) حاکمیت‌ها ساکت هستند و یک خلأ نظری برای تحلیل میزان ظرفیت حاکمیت وجود دارد. هدف اصلی این پژوهش ارائه مدلی است که بتواند میزان ظرفیت حاکمیت‌ها را اندازه‌گیری کند.

1. Strong state
2. Weak state
3. Failing state
4. Strong-weak state
5. Theory-based research

۲- مرور پژوهش‌های پیشین

در ادبیات اقتصاد سیاسی، علوم سیاسی و مدیریت دولتی، واژه ظرفیت و ابعاد آن مبهم بوده و در باره آن اجماع نظری وجود ندارد. این واژه آن‌چنان چند لایه و چند پهلو است که گاهی، تبلور ظرفیت در سیاست جمع‌آوری مالیات به وسیله دولت دیده شده است و گاهی هم در برگیرنده همه متغیرها در زمینه‌های مربوط به دولت و حاکمیت است.

واژه ظرفیت اغلب به‌عنوان توانایی سازمان در انجام اقدامات اثربخش برای دستیابی به اهداف تعریف می‌شود ولی این تعریف آن قدر کلی است که نیاز به روشنگری بیشتری در آن دیده می‌شود. عمده صاحب‌نظران با توجه به دیدگاه نهادی در فرایند خط‌مشی‌گذاری به تحلیل ظرفیت دست زده‌اند. بر همین اساس ظرفیت حاکمیت^۱ و ظرفیت دولت^۲ و ظرفیت خط‌مشی^۳ از جمله واژه‌هایی است که روی آن‌ها تأکید بیشتری شده است. ظرفیت حاکمیت بیشتر در ادبیات علوم سیاسی مورد بحث قرار می‌گیرد که در آن به ظرفیت اداری دولت توجه اندکی می‌شود. ظرفیت حاکمیت در مقایسه با ظرفیت دولت و ظرفیت خط‌مشی دارای حوزه وسیع‌تری است [۴، صص ۸۰۵-۸۲۲].

فریتز^۴ تلاش کرده است تا برخی از ابهامات واژه ظرفیت را شناسایی کرده و مبنایی برای تعریف ظرفیت حاکمیت فراهم کند. او موضوع ظرفیت را با اهمیت دانسته و حاکمیت‌های بدون ظرفیت را حاکمیت‌هایی تعریف کرده است که قادر به تأمین رفاه، رشد اقتصادی و جلوگیری از رانت‌خواری نمی‌باشند. ایشان دو جنبه از دولت را در تعریف ظرفیت مهم می‌داند. تعریف حاکمیت به عنوان منبع مشکلات (جنبه منفی) و تعریف دولت به عنوان ارائه‌دهنده خدمات (جنبه مثبت). با توجه به وضعیت این دو جنبه، ایشان ۴ نوع حاکمیت را شناسایی کرده است [۵].

1. State capacity (Governance capacity)
2. Government capacity
3. Policy capacity
4. Fritz

جدول ۱ طبقه‌بندی حاکمیت‌ها از منظر فریتز (۲۰۰۳)

حاکمیت به‌عنوان منبع مشکلات	کم	زیاد
کارکرد پایین حاکمیت در ارائه‌کننده خدمات	دولت سطح پایین ^۱	دولت ضعیف و درهم‌گسیخته ^۱
کارکرد بالای حاکمیت در ارائه‌کننده خدمات	دولت با کارآمدی بالا ^۴	دولت کارآمد و خفکان‌آور ^۲

فوکویاما^۵ یکی دیگر از اندیشمندان است که در مورد ظرفیت بحث کرده است. ایشان بر تمایز دو جنبه از فعالیت‌های حاکمیت در شناسایی ظرفیت تأکید دارد. حوزه و دامنه فعالیت‌های حاکمیت از یک طرف و قدرت حاکمیت در آن حوزه‌ها و دامنه‌ها از جمله این دو بعد است [۱] (جدول ۲).

جدول ۲ طبقه‌بندی حاکمیت‌ها از منظر فوکویاما (۲۰۰۴)

دامنه فعالیت‌های حاکمیت	کم	زیاد
کارایی بالای نهادهای حاکمیتی	حاکمیت نوع یک	حاکمیت نوع دو
کارایی پایین نهادهای حاکمیتی	حاکمیت نوع سه	حاکمیت نوع چهار

فوکویاما ضمن جادادن بعضی از کشورها در این طبقه‌بندی، به معرفی ظرفیت نهادی می‌پردازد و اجرای این ظرفیت را به چگونگی مدیریت و طراحی سازمانی (حوزه نفوذ مدیریت دولتی)، طراحی نهادی (حوزه نفوذ علوم سیاسی، اقتصاد و حقوق)، وجود مشروعیت قانونی (حوزه نفوذ علوم سیاسی) و عوامل فرهنگی و اجتماعی (حوزه نفوذ علوم اجتماعی و مردم‌شناسی) تقسیم می‌کند. میدری در پژوهشی درباره کارایی حکومت بر این ایده است که کاهش مداخله دولت لزوماً عملکرد بهتر وضعیت اقتصادی را به ارمغان نمی‌آورد و برای دستیابی به توسعه باید نقاط ضعف دولت و راه‌های کاهش آن در کانون سیاست‌ها قرار گیرد. حکمرانی بهتر نیازمند مجموعه‌ای از سیاست‌هایی است که از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است، با وجود این، افزایش رقابت در حوزه سیاسی و اقتصادی و

1. Weak and disruptive state
2. Low level state
3. Capable, but stifling state
4. Fully capable state
5. Fukuyama

همچنین پاسخ‌گویی بیش‌تر دولت، دو راهبرد اصلی حکمرانی خوب است [۶، صص ۲۶۱-۲۸۷].
الوانی و دانایی‌فرد برای ایجاد ظرفیت پیشنهاد می‌کنند که سیاست‌گذاران کشور باید خردمایه اصلاحات بازارمحور که مدعی است تخصیص منابع را تضمین و سرمایه‌داری مردمی را تسهیل می‌کند، دوباره مورد بررسی قرار دهند و آثار زیان‌بار این اصلاحات بر شهروندان محروم و کم‌درآمد را که از زیان‌های اقتصادی در رنج هستند، مورد بررسی قرار دهند [۷، صص ۹۷-۱۲۰].
مهدوی عادل و همکاران برای ایجاد کارکرد بهتر بخش دولتی بر این ایده هستند که دولت و بازار دو نهاد مکمل هستند و نه دو نهاد رقیب، بنابراین به جای بحث از مداخله و یا عدم مداخله دولت، باید از کارایی و اثربخشی مداخله دولت سخن گفت. دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی نهادساز، باید با ایجاد نهادهای توانمند، محیط مناسبی برای تنظیم روابط اقتصادی جامعه مهیا سازد و به عنوان یاری‌دهنده بازار، شرایط رشد اقتصادی را فراهم کند [۸، صص ۸۸-۱۰۶]. از نظر بانک جهانی حکمرانی بد با عناوینی مانند شخصی کردن قدرت، نبود حقوق بشر، فساد نهادینه شده، دولت‌های غیر پاسخ‌گو و غیرمنتخب مترادف است که به‌طور طبیعی حکمرانی خوب بر عکس موارد ذکر شده خواهد بود [۹، صص ۳-۱۸].
پولیدانو^۱ بین دو مفهوم ظرفیت حاکمیت^۲ و ظرفیت بخش عمومی^۳ تمایز قائل شده است. ایشان ضمن تعریفی از این ظرفیت‌ها، ظرفیت حاکمیت را به سه بعد قدرت تحکم^۴، ظرفیت خطمشی^۵ و ظرفیت اجرا^۶ تقسیم می‌کند. ظرفیت بخش عمومی در این تقسیم‌بندی بیش‌تر به مکانیزم‌های دولت اذعان دارد. این نوع از ظرفیت، خود به سه لایه تقسیم می‌شود. ظرفیت خطمشی، ظرفیت اجرا و کارایی عملیاتی^۷ از جمله سه سطحی می‌باشند که در سطح بخش عمومی قابل تعریف می‌باشند [۱۰].
هازارد^۸ در مقاله‌ای به این موضوع اشاره می‌کند که رهبران سیاسی زمانی که در تعقیب اهداف سیاسی مطلوب خود دارای آزادی عمل بیش‌تری هستند که حاکمیت از آزادی عمل برخوردار بوده و ساختار تصمیم‌گیری تکه تکه و نامنسجم نباشد و ابزار کافی برای

1. Polidano
2. Governance capacity
3. Public sector capacity
4. Despotism power
5. Policy capacity
6. Infrastructural power (implementation capacity)
7. Operational efficiency
8. Haggard

اثرگذاری دولت بر بخش خصوصی و شهروندان در اختیار باشد [۱۰]. مارتا موکو^۱ در سال ۲۰۰۱ تلاش می‌کند تا ظرفیت دولت را مورد شناسایی قرار دهد. ایشان شاخص‌های سنجش ظرفیت دولت را در توانایی دولت در جمع‌آوری مالیات، میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی، فساد، میزان صنعتی‌شدن و توسعه زیرساخت‌ها تعریف کرده است [۱۱، صص ۴۱-۴۵].

مؤسسه پژوهشی آسیا و اقیانوسیه دانشگاه سیدنی در تقسیم‌بندی ابعاد ظرفیت، ظرفیت را به سه بعد ظرفیت اداری^۲، ظرفیت خطمشی^۳ و ظرفیت حاکمیت تقسیم کرده است. ظرفیت اداری به مدیریت اثربخش منابع در فرایندهای اداری خدمات عمومی اشاره دارد. ظرفیت خطمشی نیز به توانایی قدرت تصمیم‌گیری فکورانه و استفاده از پژوهش در فرایند تصمیم‌گیری اشاره داشته و ظرفیت حاکمیت، توانایی حاکمیت در انعطاف قدرت اقتصادی و اجتماعی (برای مشارکت و همکاری در دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی) را مورد سنجش قرار می‌دهد [۱۲].

در مطالعه دیگری درباره ظرفیت، از نگاه نونهادگرایان^۴ به ظرفیت توجه شده است و ظرفیت به عنوان محصولی که نتیجه تعامل بین بخش خصوصی و دولتی است، تعریف شده است که با دیدگاه بوروکراسی در خصوص ظرفیت، تمایز جدی دارد [۱۳، صص ۳۲-۳۳]. مارش^۵ در پژوهشی به تحلیل ظرفیت پرداخته و سه بعد را برای ظرفیت، شناسایی کرده است. ظرفیت سیاسی، ظرفیت خطمشی و ظرفیت سازمانی از جمله این سه بعد می‌باشد. در ظرفیت سیاسی ایشان به ابعادی همچون فرهنگ سیاسی، احزاب سیاسی و روابط قوه مقننه و مجریه توجه کرده است. در ظرفیت خطمشی به استراتژی‌ها و مفاهیمی که باعث شکل‌گیری یک خطمشی می‌شوند، توجه شده است و در ظرفیت اداری (و یا سازمانی)، توانایی بوروکراسی در اجرای خطمشی‌ها مورد توجه است [۱۴، صص ۶۹-۹۲].

نقش اطلاعات و پژوهش در تصمیم‌گیری یکی دیگر از ابعاد ظرفیت تعریف شده است. این ظرفیت با عنوان ظرفیت تحلیلی^۶ مورد توجه قرار گرفته است. در مطالعه‌ای در این خصوص، پیترز^۷ علاوه بر اذعان به دشواری مفهوم ظرفیت، به ضرورت استفاده از اطلاعات به روز و کارشناسی شده در تدوین خطمشی‌ها اشاره می‌کند [۱۵]. هم‌چنین در مقاله دیگری

1. Marta Muco
2. Administrative capacity
3. Policy capacity
4. NeoInstitutionalist
5. Ian Marsh
6. Analytical capacity
7. Guy Peters

از نبود ظرفیت تحلیلی به عنوان منبعی برای شکست خطمشی‌ها نام برده شده است [۱۶].

ماکانو^۱ در سال ۲۰۰۸ در پایان‌نامه دکتری خود بر روی ظرفیت نهادی^۲ متمرکز شده است و ظرفیت نهادی را به‌عنوان توانایی یک سازمان یا یک دولت، و یا یک حاکمیت در ایجاد محیط و روابط پایدار تعریف می‌کند که باعث تسهیل در تخصیص منابع شده و دستیابی به اهداف را آسان‌تر می‌کند. ایشان برای ایجاد چنین ظرفیتی به وجود منابع مادی، انسانی، زیرساختی و تکنولوژیکی اشاره می‌کند [۱۷].

در مقاله دیگری درباره ظرفیت در بخش دولتی، وجود ظرفیت در خطمشی‌ها به سه عامل پایداری^۳، کارایی^۴ و اثربخشی^۵ ارجاع داده شده است. این مقاله ظرفیت در بخش دولتی را به افزایش توانمندی سازمان‌های دولتی در همکاری با یکدیگر تعریف کرده است [۱۸، صص ۴۴۱-۴۶۳]. در خصوص مبانی نظری پژوهش، تقسیم‌بندی‌های چندی صورت گرفته است. در مطالعه‌ای دیگر مبانی نظری ظرفیت به روندهای تاریخی ارجاع داده شده است و بر مبنای رویکرد تاریخی به دسته‌بندی نظریات اقدام شده است. این مطالعه با مقایسه پارادایم مدیریت دولتی نوین و پارادایم حاکمیت عمومی، نظریه‌های مربوط به ظرفیت را تقسیم‌بندی کرده است. نظریات مربوط به ظرفیت دولت و یا ظرفیت اداری که ریشه در کارایی دارند، بیش‌تر به پارادایم مدیریت دولتی نوین منتسب هستند. این در حالی است که در پارادایم حاکمیت عمومی به ظرفیت در ابعادی کلان‌تر توجه شده است و ظرفیت نهادی و یا ظرفیت خطمشی‌گذاری در این دسته قابل دسته‌بندی هستند [۱۹].

اندیشمندان دیگری دو مبنا را برای تحلیل حاکمیت ذکر می‌کند. در مبنای اول که دیدگاه نهادی^۶ نامیده شده است، تلاش می‌شود تا چگونگی ساختار و سازماندهی حاکمیت‌ها مورد توجه قرار گیرد و در مبنای دوم که دیدگاه عملکردی^۷ نامیده می‌شود، به فرایندهای دولت توجه شده است [۴، صص ۸۰۵-۸۲۲].

با مرور ادبیات نظری پژوهش، نویسندگان مبانی نظری ظرفیت را به سه مبنا تقسیم کرده‌اند:

الف) ظرفیت دولت^۸ (قوه مجریه)

ب) ظرفیت تصمیم‌گیری^۹ (قوه مقننه)

1. Fumpa Makano
2. Institutional Capacity (IC)
3. Sustainably
4. Efficiently
5. Effectively
6. Institutional approach
7. Functional approach
8. Government capacity
9. Policy capacity



ج) ظرفیت حاکمیت (آرایش نهادهای حاکمیتی)
جدول ۳ اندیشمندان هر کدام از این حوزه‌های نظری را نشان می‌دهد.

جدول ۳ مبانی نظری پژوهش (نقشه ادبیات پژوهش)

مبانی نظری	محقق	محورهای مورد بررسی
ظرفیت دولتی	Vanessa Rugetand Burulsmanalieva, 2007	حاکمیت‌های ضعیف و مشروعیت حاکمیت‌ها [۲۰، صص ۴۴۱-۴۵۸]
	Marta Muco, 2001	تدوین شاخص‌هایی برای سنجش دولت‌ها [۱۱، صص ۴۱-۴۵]
	Haggard, 1990	شایستگی دولت (استقلال دولت، هماهنگی با قوه مقننه، انتخاب درست ابزار در اجرا) [۱۰]
	Skocpol, Evan and Rueschemeyer, 1985	رعایت اصول بوروکراسی معیاری ایجاد ظرفیت [۲۱]
	Polidanoc, 2000	ظرفیت بخش دولتی (ظرفیت اجرا و ظرفیت عملیاتی) [۴، صص ۸۰۵-۸۲۲]
	Grindle and Hilderbrand, 1995	ظرفیت بخش دولتی (پایداری، اثربخشی و کارایی) [۱۸]
ظرفیت دولتی	Chares Conteh, 2007	ظرفیت اجرا، مشروعیت خط‌مشی، ظرفیت اداری [۲۲]
سیاست‌گذاری ظرفیت	Guy Peters, 1996	ظرفیت تحلیلی در اتخاذ خط‌مشی‌ها [۱۵]
	Polidanoc, 2000	ظرفیت خط‌مشی (تصمیم‌گیری درباره خط‌مشی‌ها) [۴، صص ۸۰۵-۸۲۲]
	Riddell, 2007	ظرفیت پژوهشی خط‌مشی‌ها [۲۳]
	Michael Howlett, 2007	ظرفیت تحلیلی خط‌مشی‌ها [۱۶]
ظرفیت نهادی	Fukuyama, 2004	دولت‌گرایی، ظرفیت حاکمیت و کارایی [۱]
	Verena Fritz, 2003	ظرفیت حاکمیت و ضعف حاکمیت [۵]
	Engebart, 2000	ظرفیت حاکمیت و مشروعیت حاکمیت [۲۴، صص ۷-۳۶]
	Bovaird and Loffler, 2003	پارادایم حاکمیت عمومی [۲۵، صص ۳۱۳-۳۲۸]
	Bovaird, 2004	ظرفیت حاکمیت [۱۹]
	Edgar Grande, 2001	ظرفیت حاکمیت و تعامل با بخش خصوصی [۲۶]
	Ian Marsh, 2006	ظرفیت حاکمیت، سیاسی، خط‌مشی و سازمانی [۱۴، صص ۶۹-۹۲]
	Charles Polidanoc, 2000	ظرفیت حاکمیت (استقلال، خط‌مشی و اجرا) [۴]
	Fumpa Makano, 2008	ظرفیت نهادی [۱۷]
	Trezzini, 2001	ظرفیت حاکمیت و شبکه خط‌مشی [۱۳، صص ۲۳-۶۲]

۳- ظرفیت حاکمیت و ابعاد آن

با توجه به مرور مطالب پیشین، آشکار می‌شود که ادبیات موجود در زمینه‌ی ظرفیت در علوم سیاسی و مدیریت دولتی از جامعیت برخوردار نبوده است. با توجه به چنین انسجام اندکی، تلاش این مقاله در به دست دادن الگویی است که بتواند این انسجام را برقرار کند. صدیق سروستانی و ابراهیم‌بای در پژوهشی درباره دولت به عنوان نهاد اجتماعی، دشواری‌های تعریف دولت و حکومت را یادآوری کرده‌اند [۲۷، صص ۱۴۱-۱۶۵]. باید توجه داشت که این دو مفهوم با همدیگر مترادف نیستند، زیرا همه نهادهای جامعه در قوه مجریه (دولت) خلاصه نشده و سایر نهادها نیز در روند اداره یک کشور به اندازه خود سهیم می‌باشند [۲۸، صص ۱۰۹-۱۳۰]. در این پژوهش، مجموعه نهادهای عمومی در یک کشور اعم از قوه قضاییه، قوه مجریه (دولت) و قوه مقننه به صورت یکجا با عنوان حاکمیت شناخته می‌شوند. ظرفیت کلی این مجموعه که بیش‌ترین نقش را در چرخه خط‌مشی‌گذاری دارد، با عنوان ظرفیت حاکمیت شناخته می‌شود.

ظرفیت حاکمیت به مفهوم مهم نبودن ظرفیت بخش غیرحاکمیتی نبوده و این بخش به عنوان حلقه واسطه بین دولت و شهروندان عمل کرده [۲۹، صص ۲۷۷-۳۰۱] و نقشی مهم در توسعه‌یافتگی کشورها داشته است، اما در این پژوهش این ظرفیت مدنظر نبوده است. ظرفیت حاکمیت در صورتی بالا خواهد بود که مجموعه حاکمیت زمینه را برای شناسایی مشکلات عامه، تدوین خط‌مشی‌های درست، اجرای صحیح و ارزیابی درست آن‌ها فراهم کند. حوزه وسعت این بعد از ظرفیت ملی خط‌مشی‌گذاری آن‌قدر وسیع بوده که باید در ابعاد جزئی‌تر بررسی شود. اهم ابعاد ظرفیت حاکمیت عبارتند از ظرفیت قانونی، ظرفیت اجرا، ظرفیت فساد‌گریزی، ظرفیت سیاسی، ظرفیت پاسخ‌گویی، ظرفیت ارتباطی و ظرفیت یادگیری که در ادامه بررسی خواهند شد.

ظرفیت قانونی: یکی از وظایف هر حاکمیتی، ایجاد چارچوبی برای قوانین و مقرراتی است که بتواند به پیشرفت و توسعه کشور کمک کند. درباره قوانین دو موضوع قابل طرح است، از یک طرف حاکمیت باید قوانین و مقرراتی را برای گردش بهتر فرایندها و امور کشور تدوین کند و از طرف دیگر زمینه‌ای را فراهم آورد تا قوانین در جامعه جدی گرفته شده و زمینه برای حاکمیت قانون فراهم شود.



ظرفیت اجرا: دولت به‌عنوان بخشی از حاکمیت، دارای نقش مهمی در چرخه سیاست‌گذاری است. مهم‌ترین وظیفه دولت، اجرای خط‌مشی‌های تدوین شده به‌وسیله قوه مقننه است. این بعد از ظرفیت حاکمیت به ظرفیت دولت در اجرای خط‌مشی‌ها اشاره دارد. سنجش میزان اثربخشی دولت و توان دولت در جمع‌آوری مالیات‌ها و توان برنامه‌ریزی مناسب از جمله مفاهیمی هستند که در ظرفیت اجرا مورد بررسی قرار می‌گیرند. این بعد از ظرفیت هم‌چنین به ساختار بوروکراسی و توان آن در اجرای فرایندهای اداری حاکمیت اشاره دارد. توانایی بوروکراسی -که اداره امور حاکمیت را در کلی‌ترین شکل آن به عهده دارد- به موضوعاتی هم‌چون مدیریت منابع انسانی توجه ویژه دارد.

ظرفیت فساد‌گریزی: فساد یکی از موضوعات مهم در حاکمیت‌ها است. حاکمیت هم مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری و به‌وجود آمدن آن داشته و هم می‌تواند نقش کنترلی در این زمینه داشته باشد. طرح قوانین و مقررات درست از یک سو و داشتن یک نظام سیاسی قانون‌مند و فارغ از جنجال‌های سیاسی از سوی دیگر می‌تواند بر کاهش فسادهای خرد و کلان در جامعه مؤثر باشد، بنابراین یکی از ابعاد مهم ارزیابی حاکمیت‌ها، توان آن‌ها در کنترل فساد در جامعه است.

ظرفیت سیاسی: یکی از ابعاد مهم ظرفیت، ظرفیت سیاسی حاکمیت است. این ظرفیت به مفهوم ظرفیت نهادی (که در نوشته‌های پیشین به آن اشاره شد) نزدیک است. توان حاکمیت در ایجاد ثبات سیاسی در جامعه، مهم‌ترین عنصر مورد بررسی در این ظرفیت است. این ظرفیت تحت تأثیر نوع رژیم سیاسی، آرایش و چینش نهادهای حاکمیتی و نیز توان حاکمیت در پاسخ‌گویی به خواسته‌های مردمی می‌باشد.

ظرفیت پاسخ‌گویی: حاکمیت خوب در عصر حاضر مستلزم عنصری است که پاسخ‌گو بودن آن را برای شهروندان نشان دهد. ظرفیت حاکمیت در پاسخ‌گویی، در منابع مربوط به حاکمیت خوب در بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان ملل متحد مورد تأکید است. پاسخ‌گویی حاکمیت در مقابل شهروندان، در مقابل سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی از جمله مواردی است که در این بعد از ظرفیت حاکمیت مورد توجه قرار می‌گیرد.

ظرفیت ارتباطی: ظرفیت ارتباطی حاکمیت شامل توان حاکمیت یک کشور در ایجاد ارتباط با سایر دولت‌ها و نیز تعامل با سایر بازیگران خط‌مشی در کشور است. این ظرفیت زمینه را برای گردش بهتر چرخه خط‌مشی‌گذاری فراهم می‌کند. تعامل بهتر با سایر دولت‌ها، بخش خصوصی، احزاب، گروه‌های فشار، شهروندان و رسانه‌ها باعث می‌شود تا حاکمیت بتواند مسائل

و مشکلات عمومی را به خوبی شناسایی کرده، خط‌مشی‌هایی متناسب با مشکلات تدوین کرده و با ارتباط بهتر با سایر بازیگران، آن خط‌مشی‌ها را اجرا نموده و مورد ارزیابی قرار دهد. ظرفیت یادگیری: ظرفیت یادگیری یکی دیگر از ابعاد ظرفیت حاکمیت است. این ظرفیت که در طول سال‌های اخیر بیش‌تر مورد تأکید بوده است، به بعدی از حاکمیت اشاره می‌کند که در آن یک حاکمیت می‌تواند از گذشته خود درس گرفته و خط‌مشی‌های خود را بر پایه اشتباهات گذشته پی‌ریزی کند. این بعد از ظرفیت حاکمیت با توجه به پیشرفت‌های صورت گرفته در فناوری اطلاعات، بسیار مورد توجه است. تئوری‌های موجود در زمینه تحلیل خط‌مشی از تنوع زیادی برخوردار هستند. اهم این تئوری‌ها عبارتند از تئوری سیستم سیاسی^۱، تئوری نهادگرایی^۲، تئوری فرایندی^۳، تئوری انتخاب عقلایی^۴، تئوری نخبگان^۵، تئوری تدریجی^۶، تئوری انتخاب عمومی^۷، تئوری گروهی^۸ و تئوری بازی^۹. در یک نگاه کلی سنجش ظرفیت به‌وسیله دو رویکرد بررسی شده است. در دیدگاه نخست که دیدگاه نهادی نام دارد موضوع ظرفیت به چیدمان و آرایش نهادهای حاکمیت اشاره دارد و در دیدگاه عملکردی به سنجش ظرفیت در ارائه خدمات مناسب به شهروندان توجه شده است. در این مقاله تلاش شده است تا با توجه به تئوری فرایندی و دیدگاه نهادی، ابزاری برای سنجش ظرفیت و مقایسه کشورها در این ظرفیت طرح کند.

۴- عناصر روش‌شناسی پژوهش

از ویژگی‌های انجام یک پژوهش، استفاده از عناصر روش‌شناختی مناسب است که بنا به ماهیت پژوهش و شیوه انجام آن بتواند مدل مفهومی پژوهش را به‌بوته آزمون گذارد. مبانی فلسفی پژوهش، جهت‌گیری پژوهش^۱، شیوه انجام پژوهش^۲ یا صبغه پژوهش، نوع پژوهش از حیث مکانی، استراتژی‌های پژوهش^۳، شیوه‌های گردآوری داده‌ها از جمله عناصری می‌باشند که بنا به

1. Political system theory
2. Institutionalism theory
3. Process theory
4. Rational-choice theory
5. Elite theory
6. Incremental theory
7. Public choice theory
8. Group theory
9. Game theory
10. Research orientation
11. Research method
12. Research strategies



نظر دانایی‌فرد و همکاران باید در یک پژوهش با شفافیت مورد توجه قرار گیرند [۳۰]. این پژوهش به لحاظ مبانی فلسفی پژوهش در دسته پارادایم اثبات‌گرا قرار می‌گیرد. از حیث جهت‌گیری پژوهش، یک پژوهش بنیادی است که در آن نه آزمون یک تئوری بلکه زایش یک تئوری و آزمون آن مدنظر بوده است. شیوه انجام پژوهش نیز کمی است. این پژوهش از حیث مکانی جزء پژوهش‌های کتابخانه‌ای دسته‌بندی می‌شود. از لحاظ استراتژی‌های پژوهش این پژوهش از استراتژی همبستگی استفاده می‌کند. شیوه‌های گردآوری داده‌ها در این پژوهش، مرور و بازبینی اسناد، مدارک و اطلاعات بوده است.

در یک تقسیم‌بندی، نمونه‌گیری به دو روش احتمالی و غیراحتمالی تقسیم می‌شود. روش‌های غیراحتمالی به دو دسته نمونه‌گیری در دسترس^۱ و نمونه‌گیری گلوله برفی^۲ تقسیم می‌شوند [۳۱]. یکی از روش‌های نمونه‌گیری در دسترس، نمونه‌گیری غربالی بر اساس معیار^۳ است. در این روش نخست اعضای جامعه به عنوان نمونه انتخاب می‌شوند و سپس با توجه به یک سری از معیارها غربال شده تا حجم نمونه به دست آید. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی و نمونه‌گیری غربالی بر اساس معیار استفاده می‌شود. بنا به معیار دسترسی به اطلاعات متغیرهای پژوهش، تعداد نمونه پژوهش، ۱۵۹ کشور بوده که در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴ کشورهای نمونه پژوهش بر اساس روش نمونه‌گیری غربالی

کشورهای مورد مطالعه (نمونه آماری)			
Albania	Ecuador	Latvia	Romania
Algeria	Egypt	Lebanon	Russian Federation
Angola	El Salvador	Lesotho	Rwanda
Argentina	Equatorial Guinea	Libyan Arab	SaoTome and Principe
Armenia	Eritrea	Lithuania	Saudi Arabia
Australia	Estonia	Luxembourg	Senegal
Austria	Ethiopia	Macedonia	Serbia
Azerbaijan	Fiji	Madagascar	Sierra Leone
Bangladesh	Finland	Malawi	Singapore
Belgium	Gabon	Maldives	Slovenia
Belize	Gambia	Mali	Solomon Islands

1. Convenience sampling
2. Snowball sampling
3. Criteria filtering

ادامه جدول ۴

کشورهای مورد مطالعه (نمونه آماری)			
Benin	Georgia	Malta	South Africa
Bhutan	Germany	Mauritania	Spain
Bolivia	Ghana	Mauritius	Sri Lanka
	Greece	Mexico	Sudan
Botswana	Guatemala	Moldova	Suriname
Brazil	Guinea	Mongolia	Swaziland
Brunei	Guinea-Bissau	Montenegro	Sweden
Bulgaria	Guyana	Morocco	Switzerland
Burkina Faso	Haiti	Mozambique	Syrian Arab Republic
Burundi	Honduras	Myanmar	Tajikistan
Cambodia	Hungary	Namibia	Tanzania
Cameroon	Iceland	Nepal	Thailand
Canada	India	Netherlands	Togo
Central African	Indonesia	New Zealand	Trinidad and Tobago
Chad	Iran	Nicaragua	Tunisia
Chile	Ireland	Niger	Turkey
China	Israel	Nigeria	Turkmenistan
Colombia	Italy	Norway	Uganda
Congo	Jamaica	Oman	Ukraine
Costa Rica	Japan	Pakistan	United Arab Emirates
Côte d'Ivoire	Jordan	Panama	United Kingdom
Croatia	Kazakhstan	New Guinea	United States
Cuba	Kenya	Paraguay	Uruguay
Cyprus	South Korea	Peru	Uzbekistan
Czech Republic	Kuwait	Philippines	Venezuela
Denmark	Kyrgyzstan	Poland	Viet Nam
Djibouti	Laos	Portugal	Yemen
Dominica	Latvia	Qatar	Zambia

داده‌ها در این مقاله اشاره به داده‌های کلانی دارد که وضعیت کشورها را در ابعاد ملی و بین‌المللی نشان می‌دهد. مراجع بین‌المللی همچون بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، برنامه توسعه سازمان ملل متحد، سازمان بین‌المللی شفافیت، مؤسسه فیچ، مؤسسه لگاتوم، مجمع جهانی اقتصاد، مؤسسه هریتیج، مؤسسه فریزر، واحد اطلاع‌رسانی اکونومیست و مراجع ملی همچون مرکز آمار ایران و بانک مرکزی از جمله مراجعی بوده‌اند که داده‌های آنان در مدل به کار گرفته شده‌اند.

اجرای پژوهش در شش مرحله انجام گرفت. مطالعه ادبیات نظری پژوهش، طراحی مدل

مفهومی، طراحی شاخص‌های اندازه‌گیری، اجرای آزمون روایی سازه از طریق تحلیل عاملی، اجرای آزمون پایایی، آزمون مدل از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری از جمله شش گام پژوهش می‌باشد. همان‌طور که پیش‌تر در طراحی مدل مفهومی اشاره شد، ظرفیت حاکمیت شامل هفت متغیر ظرفیت قانونی، ظرفیت اجرا، ظرفیت فساد‌گریزی، ظرفیت سیاسی، ظرفیت پاسخ‌گویی، ظرفیت یادگیری و ظرفیت ارتباطی است. برای سنجش اندازه‌گیری این متغیرها، کلیه آمارهای بین‌المللی مطالعه قرار شد تا شاخص‌هایی که به کمک آن‌ها می‌توان این متغیرها را اندازه‌گیری کرد، استخراج شود. در این مرحله، تعداد ۷۴ شاخص مشخص شدند که به‌وسیله آن‌ها می‌توان این هفت شاخص را اندازه‌گیری کرد. پرسش مهم دیگر در این مرحله آن بود که آیا این شاخص‌ها روایی لازم را برای اندازه‌گیری این متغیرها خواهند داشت. به این منظور آزمون تحلیل عاملی تأییدی به منظور آزمون روایی سازه انتخاب شد. با توجه به نتایج تحلیل عاملی، برخی از شاخص‌ها به دلیل اشکال در روایی سازه از مجموعه مطالعه کنار گذاشته شد. جدول ۵ تعداد شاخص‌های گردآوری شده و شاخص‌های حذف شده را نشان می‌دهد.

جدول ۵ تعداد شاخص‌های گردآوری شده و شاخص‌های بعد از آزمون روایی سازه

متغیر	قبل از روایی سازه	شاخص‌های حذف شده	بعد از روایی
ظرفیت قانونی	۲۲	۱۰	۱۲
ظرفیت اجرا	۲۴	۶	۱۸
ظرفیت فساد‌گریزی	۸	۳	۵
ظرفیت سیاسی	۷	۱	۶
ظرفیت پاسخ‌گویی	۶	۱	۵
ظرفیت ارتباطی	۳	۰	۳
ظرفیت یادگیری	۴	۰	۴
جمع	۷۴	۲۱	۵۳

برای اجرای آزمون تحلیل عاملی (آزمون روایی سازه) از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شده است. برای تعیین روایی سازه از اطلاعات نمونه پژوهش (۱۵۹ کشور) استفاده شد.

معیارهای ارزیابی در این آزمون، آماره کفایت نمونه‌برداری^۱، سطح تحت پوشش بارتلت^۲ و مقدار ویژه آست. سطح تحت پوشش آماره بارتلت باید مقداری کم‌تر از ۵ درصد را نشان دهد تا بتوان از داشتن روایی سازه اطمینان حاصل کرد. مقدار ویژه برای گروه‌هایی معنادار است که دارای مقداری بالاتر از یک باشد و درباره آماره کفایت نمونه‌گیری معمولاً دانشمندان مختلف نظرات مختلفی را بیان می‌کنند. عده‌ای میزان بالاتر از ۵۰ درصد و عده‌ای بالاتر از ۶۰ درصد و عده‌ای ۷۰ درصد و بالاتر را پیشنهاد می‌کنند. در این پژوهش تلاش شد تا این ملاحظات آماری مورد توجه قرار گیرند. بنا به انجام این آزمون تعداد شاخص‌های گردآوری شده از ۷۴ شاخص به ۵۳ شاخص کاهش پیدا کرد و تعداد ۲۱ شاخص برای به دست آمدن سطح مناسبی از روایی سازه حذف شدند. جدول ۶ نتایج اجرای تحلیل عاملی را برای متغیرهای این پژوهش نشان می‌دهد.

جدول ۶ نتایج تحلیل عاملی برای روایی سازه متغیرها

متغیر	معیار KMO	سطح معناداری بارتلت
ظرفیت ارتباطی	۰/۵۷۵	۰/۰۰
ظرفیت پاسخ‌گویی	۰/۷۹۵	۰/۰۰
ظرفیت فسادگریزی	۰/۷۷۲	۰/۰۰
ظرفیت اجرا	۰/۸۴۹	۰/۰۰
ظرفیت یادگیری	۰/۷۳۶	۰/۰۰
ظرفیت قانونی	۰/۹۰۱	۰/۰۰
ظرفیت سیاسی	۰/۶۶۱	۰/۰۰

شاخص‌های نهایی برای سنجش این متغیرها در جدول ۷ آورده شده است.

1. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy (KMO)
2. Bartlett's Test of Sphericity
3. Initial eigenvalues

جدول ۷ شاخص‌های نهایی با توجه به روایی سازه (متغیر ظرفیت فساد گریزی)

منبع اطلاعاتی	عنوان شاخص به انگلیسی	عنوان شاخص به فارسی
ظرفیت فساد گریزی		
Global Integrity	Whistle-blowing Measures	معیارهای افشاگری
Worldwide Governance Indicators	Control of Corruption	کنترل فساد
Corruption Perception Index	Corruption Perception Index	شاخص ادراک از فساد
Economic Freedom	Freedom from Corruption	رهایی از فساد
	Access to Sound Money	دسترسی به پول پاک
ظرفیت قانونی		
e-readiness	Legal environment	محیط قانونی
Economic Freedom	Business Freedom	آزادی کسب‌وکار
	Trade Freedom	آزادی تجارت
	Monetary Freedom	آزادی پولی
	Investment Freedom	آزادی سرمایه
	Financial Freedom	آزادی مالی
	Property Rights	قوانین مالکیت معنوی
The Global Competitiveness Report	Judicial independence	استقلال قضایی
Worldwide Governance Indicators	Regulatory Quality	کیفیت قانون‌گذاری
	Rule of Law	حاکمیت قانون
ظرفیت اجرا		
	Starting a Business	راه‌اندازی کسب‌وکار
	Dealing with Construction Permits	اخذ مجوزهای لازم
	Employing Workers	اشتغال
Doing Business	Registering Property	ثبت دارایی‌ها
	Getting Credit	اخذ اعتبارات
	Protecting Investors	حمایت قضایی از سهام‌داران
	Paying Taxes	پرداخت مالیات

ادامه جدول ۷

منبع اطلاعاتی	عنوان شاخص به انگلیسی	عنوان شاخص به فارسی
ظرفیت اجرا		
Doing Business	Trading Across Borders	ظرفیت فساد گریزی
	Enforcing Contracts	اجرایی شدن قراردادهای
	Closing a Business	تعطیلی کسب و کار
Legatum Prosperity Index	Economic Fundamentals	اصول اقتصادی
Legatum Prosperity Index	Health	کیفیت بهداشت
	Safety and Security	امنیت و آسایش
Legatum Prosperity Index	low costs of bureaucracy	هزینه‌های دیوان‌سالاری
Global Integrity	Law Enforcement	تنفیذ قانونی
Worldwide Governance Indicators	Government Effectiveness	اثر بخشی دولت
The Global Competitiveness Report	Reliance on professional management	اعتقاد به مدیریت حرفه‌ای
Democracy Index	Functioning of government	عملکرد دولت
ظرفیت سیاسی		
Material Wealth	Democratic Institutions	مؤسسات دموکراتیک
Life Satisfaction	Governance	شاخص حاکمیت
Material Wealth	political and civil liberties	آزادی‌های مدنی و سیاسی
Global Integrity	Election Monitoring Agency	مؤسسات ناظر بر انتخابات
Worldwide Governance Indicators	Political Stability	ثبات سیاسی و نبود خشونت
Life Satisfaction	Good governance	حاکمیت خوب
ظرفیت پاسخ‌گویی		
Global Integrity	Public Access to Information Law	دسترسی عمومی به قوانین
Worldwide Governance Indicators	Voice and Accountability	پاسخ‌گویی
Global Integrity	Executive Accountability	پاسخ‌گویی قوه مجریه
Global Integrity	Legislature Accountability	پاسخ‌گویی قوه مقننه
Global Integrity	Judiciary Accountability	پاسخ‌گویی قوه قضاییه

ادامه جدول ۷

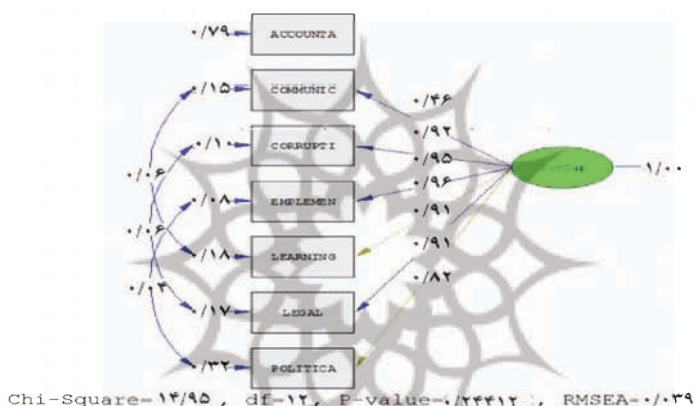
منبع اطلاعاتی	عنوان شاخص به انگلیسی	عنوان شاخص به فارسی
ظرفیت ارتباطی		
Unisco	Internet users per 1,000 inhabitants	کاربران اینترنت به ازای هر ۱۰۰۰ نفر
Economic Freedom of World	Freedom to Trade Internationally	آزادی تجارت بین‌المللی
e-readiness	Connectivity	توانایی برقراری ارتباط
ظرفیت یادگیری		
e-readiness	Government policy and vision	چشم‌انداز و سیاست دولت
E-Government Index	Human Capital Index	شاخص سرمایه انسانی در دولت الکترونیکی
	Online Service Index	شاخص خدمات برخط
	Infrastructure Index	زیرساخت‌های فیزیکی آمادگی الکترونیکی

قدم دیگر انجام پژوهش پس از انجام آزمون روایی سازه، آزمون پایایی شاخص‌های به دست آمده است. برای این منظور از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. هم‌چنان که دیده می‌شود، مقدار آلفای به دست آمده برای متغیرهای پژوهش، بالاتر از ۷۰ درصد است که مقدار مطلوبی را نشان می‌دهد. مقدار میانگین این آلفا برای کلیه متغیرهای پژوهش، عدد ۸۷ درصد را نشان می‌دهد که برای اطمینان از پایایی ابزار سنجش متغیرها مناسب است.

۵- پردازش داده‌ها

بعد از اطمینان از وجود روایی و پایایی در شاخص‌های گردآوری شده، نوبت به آزمون مدل پژوهش می‌رسد. هم‌چنان که پیش از این اشاره شد، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری برای انجام این آزمون استفاده شده است. این روش یکی از روش‌های پرکاربرد در سال‌های اخیر بوده که در حوزه‌های مدیریت و بازرگانی کاربرد فراوان داشته است. در این روش که بنای

آن بر تحلیل مسیر است بین دو نوع متغیر پنهان و آشکار تمایز وجود دارد. بنا به مدل مفهومی، این پژوهش دارای هفت متغیر مشاهده‌پذیر و یک متغیر پنهان می‌باشد. پرسش اصلی این است که آیا متغیرهای مشاهده‌پذیر (ظرفیت پاسخ‌گویی، ظرفیت ارتباطی، ظرفیت فسادگریزی، ظرفیت اجرا، ظرفیت یادگیری، ظرفیت قانونی و ظرفیت سیاسی) می‌توانند متغیر پنهان (ظرفیت حاکمیت) را اندازه‌گیری کنند. برای انجام این آزمون از نرم‌افزار Lisrel ۸/۵۱ استفاده شده است. شکل ۱ خروجی این نرم افزار را برای آزمون مدل پژوهش نشان می‌دهند.



شکل ۱ نتایج مدل مفهومی پژوهش (مدل استاندارد)

معیارهای برازش یکی از مهم‌ترین مراحل در تحلیل مدل‌سازی معادلات ساختاری است. این معیارها برای پاسخ به این پرسش است که آیا مدل بازنمایی شده به‌وسیله داده‌ها، مدل مفهومی پژوهش را تأیید می‌کند یا خیر؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش، معیارهای برازش زیادی در روش‌شناسی مدل‌سازی معادلات ساختاری معرفی شده است. برای برازش مدل پژوهش در زمینه ظرفیت حاکمیت، از تعدادی از شاخص‌ها که مناسب بودن برازش مدل را نشان می‌دهند استفاده شده است. سطح تحت پوشش آماره کی دو^۱، ریشه میانگین مربعات

1. Chi-square

خطای برآورد^۱، نیکویی برازش، نیکویی برازش اصلاح شده، نیکویی برازش هنجار شده و آزمون تی استیودنت از جمله مهم‌ترین شاخص‌های برازش یک مدل مدل‌سازی معادلات ساختاری می‌باشند. جدول وضعیت این شاخص‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۸ وضعیت شاخص‌های برازش مدل پژوهش

وضعیت برازش	مقدار مطلوب	مقدار به دست آمده	معیارهای برازش مدل
برازش خوب	بیش‌تر از ۵ درصد	۲۴ درصد	سطح تحت پوشش آماره χ^2
برازش خوب	کم‌تر از ۵ درصد	۳/۹ درصد	^۲ RMSEA
برازش خوب	نزدیک به ۹۵ درصد	۹۷ درصد	نیکویی برازش ^۳
برازش خوب	نزدیک به ۹۵ درصد	۹۴ درصد	نیکویی برازش اصلاح شده ^۴
برازش خوب	نزدیک به یک	۹۹ درصد	شاخص برازش هنجار شده ^۵
برازش خوب	بزرگ‌تر از ۱/۹۶ و یا کوچک‌تر از -۱/۹۶	بزرگ‌تر از ۱/۹۶	آماره‌های T-student

همچنان که اطلاعات جدول نشان می‌دهد، سطح تحت پوشش آماره به دست آمده کی‌دو، بیش از ۵ درصد بوده و این به آن مفهوم است که داده‌های گردآوری شده مربوط به متغیرها، برازش مناسبی از ظرفیت حاکمیت را نشان می‌دهند. ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)، معیار دیگری است که در صورتی که بیش‌تر از ده درصد باشد، مدل نامناسب تشخیص داده می‌شود. با توجه به این‌که مقدار این خطا در مدل حدود ۴ درصد به دست آمده است، برازش مدل مناسب می‌باشد. نیکویی برازش (GFI)، نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI) و نیکویی برازش هنجار شده (NFI) از دیگر معیارهایی هستند که مقدار آن‌ها بین صفر و یک در نوسان می‌باشند. صفر بودن این معیارها به معنای عدم برازش مدل

1. Root mean square error of approximation
2. Root mean square error of approximation
3. Goodness of Fit Index (GFI)
4. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
5. Normed Fit Index (NFI)

و یک بودن آن‌ها به معنای برازش کامل الگو است. با توجه به این‌که مقدار این معیارها همگی به یک نزدیک است، داده‌ها برازش مناسبی را از مدل مفهومی پژوهش به تصویر می‌کشند. معیار دیگری که معنادار بودن روابط دو به دوی متغیرها با متغیر پنهان را نشان می‌دهد، T-student است. در صورتی که مقدار این آماره بزرگ‌تر از ۱/۹۶ و یا کوچک‌تر از ۱/۹۶- باشد، بیانگر معنادار بودن آن شاخه است. با توجه به این‌که مقدار این آماره برای همه شاخه‌ها بالاتر از ۱/۹۶ است، همه شاخه‌ها برازش خوبی را نشان می‌دهند. اجرای روش مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان از آن دارد که داده‌های گردآوری شده به نحو مناسبی، مدل مفهومی پژوهش را تأیید می‌کند. البته لازم به ذکر است که برای برازش مناسب مدل، تغییراتی در مدل اولیه اعمال شد که بیشتر در حد ارتباط بین متغیرهای باقیمانده بوده است؛ به عنوان مثال در این مدل بین دو متغیر فساد‌گریزی و متغیر ظرفیت قانونی یک ارتباط دوسویه‌ای تعریف شده است. در مجموع نسبت به مدل اولیه سه تغییر اعمال شد که در شکل ۲ این تغییرات نشان داده شده است. سطح تحت پوشش آماره کی دو، ریشه میانگین مربعات خطای برآورد، نیکویی برازش، نیکویی برازش اصلاح شده، نیکویی برازش هنجار شده و آزمون تی استیودنت از جمله مهم‌ترین شاخص‌هایی بودند که برازش مدل از طریق آن‌ها نشان داده شد.

۶- نتیجه‌گیری

ظرفیت یک حاکمیت یکی از موضوعاتی مهمی است که در سال‌های اخیر در رشته‌های مدیریت دولتی و علوم سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. پرسش‌های اساسی که پژوهشگران در این مقاله به دنبال پاسخ به آن بودند عبارتند از:

- ۱- ظرفیت حاکمیت چیست؟
 - ۲- چه شاخص‌هایی این مفهوم را اندازه‌گیری می‌کنند؟
 - ۳- چگونه می‌توان اطلاعات آن شاخص‌ها را برای اندازه‌گیری ظرفیت حاکمیت گردآوری کرد؟
 - ۴- آیا تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده، مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش را تأیید می‌کنند؟
- برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، بررسی‌ها در سه مرحله پیگیری شد. در محور اول که ناظر به ابعاد نظری کار بود، تلاش شد تا ادبیات نظری این مفهوم مورد مطالعه قرار گیرد.

برپایه مرور و بازبینی مطالعات پیشین، مدلی پیشنهاد شد که در آن ابعاد ظرفیت حاکمیت در هفت بعد ظرفیت پاسخ‌گویی، ظرفیت ارتباطی، ظرفیت فسادگریزی، ظرفیت اجرا، ظرفیت یادگیری، ظرفیت قانونی و ظرفیت سیاسی دسته‌بندی شد. به بیان دیگر، چیستی ظرفیت حاکمیت در اندازه‌گیری این هفت بعد بیان شد (پرسش نخست).

مرحله دوم مطالعه ناظر به یافتن شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری ابعاد هفت‌گانه شناسایی شده در مرحله پیشین بود. در این مرحله ۷۴ شاخص برای سنجش ابعاد هفت‌گانه پژوهش مشخص شد. (پرسش دوم) در این مرحله تلاش شد تا اطلاعات کلیه سازمان‌ها و مؤسسات درباره کشورهای جهان گردآوری شود. با توجه به آمارهای بین‌المللی به دست آمده از مؤسسات مهم جهانی (بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، برنامه توسعه سازمان ملل متحد، سازمان بین‌المللی شفافیت و ...) پایگاه داده‌ای از شاخص‌های گوناگون فراهم شد و شاخص‌های مرتبط با ابعاد ظرفیت حاکمیت از بین این داده‌ها استخراج گردید (پرسش سوم) برای پاسخ‌گویی به پرسش چهارم، تلاش شد تا ابعاد ظرفیت و شاخص‌های شناسایی شده برای صحت آزمون مدل مفهومی، مورد آزمون قرار گیرند. برای تعیین میزان روایی سازه برای شاخص‌های شناسایی شده، از آزمون تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. شاخص‌هایی که دارای روایی سازه با متغیرها نبودند، شناسایی شده و از مجموعه شاخص‌ها کنار گذاشته شدند. با توجه به نتایج این آزمون، تعداد ۵۳ شاخص دارای روایی لازم برای سنجش ابعاد هفت‌گانه بودند. پس از تعیین روایی لازم، پایایی ابزار سنجش مورد توجه قرار گرفت. برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. همه ضرایب پایایی برای ابعاد هفت‌گانه بالاتر از ۷۰ درصد به دست آمد که مقدار مطلوبی را نشان می‌داد. پس از اطمینان از پایایی و روایی شاخص‌های شناسایی شده، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری برای آزمون مدل استفاده شد. اجرای این آزمون نشان از آن دارد که داده‌های تجربی، برازش مناسبی از مدل مفهومی پژوهش را نشان می‌دهند.

نتایج این مطالعه دارای استفاده‌های چندی است. این نتایج می‌تواند نشان دهد که هر یک از ۱۵۹ کشور مورد مطالعه در رویکردی مقایسه‌ای، از چه سطحی از ظرفیت حاکمیت برخوردار هستند و میزان توانمندی‌ها و ضعف‌های هر یک از آنها در هر یک از هفت بعد شناسایی شده کدام است و این کشورها می‌توانند تلاش کنند در یک برنامه زمان‌بندی شده،

ضعف‌های حاکمیت کشور را بهبود بخشند. به بیان دیگر نتایج این مطالعه می‌تواند در سیاست‌گذاری‌ها و هدف‌گذاری‌های کشورها در برنامه‌های توسعه کوتاه‌مدت و بلندمدت نیز به کار گرفته شود و زمینه را برای چالاک‌ی حاکمیت‌ها در ایجاد بستری از رفاه و آرامش برای شهروندان فراهم کند.

مدل مفهومی این پژوهش که به‌وسیله داده‌های تجربی نیز تأیید شد، افتراق و اشتراکاتی با مدل‌های مشابه دارد. الگوی حکمرانی خوب یکی از الگوهای است که در تلاش برای سنجش کیفیت حاکمیت کشورها می‌باشد. بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان ملل هر یک از زاویه‌ای به این نظریه پرداخته‌اند. برنامه عمران سازمان ملل متحد و تا حدودی صندوق بین‌المللی پول سیاستی به نام حکمرانی خوب را به عنوان کلید معمای توسعه مطرح کرده‌اند [۶، صص ۲۶۱-۲۶۴].

بانک جهانی برای سنجش‌پذیر کردن حکمرانی خوب، آن را متشکل از شش بعد می‌داند. (پاسخ‌گویی، بی‌ثباتی سیاسی، اثربخشی دولت، بار مالی مقررات، حاکمیت قانون و فساد) [۳۲]. اشتراک مدل مورد ادعای این پژوهش و مدل بانک جهانی، به هدف این دو مدل برمی‌گردد که هر دو در تلاشند تا ابزاری برای سنجش حاکمیت در ابعاد جهانی معرفی کنند تا وضعیت کشورهای جهان را با این ابزار مورد سنجش قرار دهند. اما علی‌رغم این اشتراک در هدف، روش سنجش این مفهوم در این دو مدل با همدیگر متفاوت است. تفاوت این مدل با مدل بانک جهانی درباره حکمرانی خوب، به دو موضوع بر می‌گردد. تفاوت نخست آن است که در این پژوهش، ابعاد ظرفیت حاکمیت وسعت یافته است و ابعادی مانند ظرفیت یادگیری، ظرفیت ارتباطی و ظرفیت اجرا به آن اضافه شده است و این موضوع به جامعیت ارزیابی از حاکمیت‌ها غنای بیشتری می‌بخشد. تفاوت دوم این پژوهش با مدل حکمرانی خوب به جامعیت اطلاعاتی برمی‌گردد که این مدل بر پایه آن بنیان‌گذارده شده است. در این مدل تلاش شده است تا اطلاعات شاخص‌ها از منابع اطلاعاتی متفاوتی گردآوری شود، در حالی که در مدل حکمرانی خوب، چنین جامعیتی نبوده است.



۷- منابع

- [1] Fukuyama F.; State building. Governance and world order in the twenty-first century; London : Profile Books, 2004.
- [2] Smith B. , State building. [book auth.] P Burnell and V Randall ; Politics in the developing world ; Oxford : Oxford University Press, 2005.
- [3] Luong P. ;The transformation of central asia. states and societies from soviet rule to independence ; Cornell : Cornell University Press, 2004.
- [4] Polidano C. ; Measuring public sector capacity; 5, World Development, Vol. 28, 2000.
- [5] Fritz verena ; State weakness in eastern europe: Concept and causes; s.l.: European University Institute , Robert Schuman Centre for Advanced Studies, 2005.
- [۶] میدری ا.؛ مقدمه‌ای بر حکمرانی خوب؛ فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی؛ ج. ۱۳۸۵، ۲۲.
- [۷] دانایی‌فرد ح. ، الوانی م.؛ استراتژی تحول در بخش دولتی ایران؛ دوماهنامه علمی پژوهشی دانشور رفتار، ج. ۱۳۸۵، ۱۷.
- [۸] مهدوی عادل‌ی م.ح. ، حسین زاده بحرینی م.ح. ، جوادی ا.؛ تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم؛ مجله علمی پژوهشی دانش و توسعه، ج. ۱۳۸۷، ۲۴.
- [۹] دباغ س. ، نفری ن.؛ تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب؛ ۳، نشریه مدیریت دولتی، جلد ۱، ۱۳۸۸.
- [10] Haggard S.; Pathways from the periphery: The politics of growth in the newly industrializing countries, Ithica : Cornell University Press, 1990.
- [11] Muco M.; Low state capacity in southeast european transition countries ; 1, , *Journal of Southeast European & Black Sea Studies*, Vol. 1, 2001.
- [12] The Research Institute for Asia and the Pacific ; Building Institutional Capacity in Asia Project (Public sector challenges and Government reforms in South

- East Asia); *Executive Summary Report*, Sydney : University of Sydney, 2001.
- [13] Trezzini B.; Institutional foundations of Malaysia's state capacity; 1, , *Asian Journal of Public Administration*, Vol. 23, 2001.
- [14] Marsh I., Democratization and state capacity in east and southeast asia ; 2, , *Taiwan Journal of Democracy*, Vol. 2, 2006.
- [15] Peters B. Guy; The policy capacity of Government ; *Research Paper*, No 18. s.l. : Canadian Center for Management Development,. Research. 80, 1996.
- [16] Howlett M.; Policy Analytical Capacity as a Source of Policy Failure ;Annual Meeting of the Canadian Political science Association. s.l. : University of Saskatchewan, 2007.
- [17] Makano F.; Does Institutional Capacit Matter?; s.l. : University of Missouri-St , Ph.D. dissertation , 2008.
- [18] Grindle S.; Building sustainable capacity in the public sector: what can be done? Merilee and Hilderbrand ; *Public Administration and Development*, Vol. 15, 1995.
- [19] Bovaird T., Löffler E. and Salvador D.P.; Evaluating the Quality of Local Governance ; *Some Lessons from European Experience*. Portland, Oregon : ASPA, 2004.
- [20] Venessa, Ruget and Burul., Usmanalieva ;The impact of state weakness on citizenship: A case study of kyrgyzstan ; *Communist and Post-Communist Studies*, Vol. 40, 2007.
- [21] EvanP. B., Rueschemeyer, D. and Skocpol, T. ; *Bringing the State Back in*. Cambridge ,Cambridge: University Press, 1985.
- [22] Conteh C.; Capacity and legitimacy in policy implementation ; s.l. : Mc Master University, Ph.D. Thesis , 2007.
- [23] Riddell N. ; *Policy research capacity in the federal government* ; Ottawa : Policy Research Initiative, 2007.
- [24] Englebert P.; *Pre-colonial Institutions, Post-colonial States, and Economic*

- Development in Tropical Africa ; 1, Political Research Quarterly, Vol. 53, 2000.
- [25] Bovaird T. , Löffler E.; Evaluating the quality of public governance: Indicators, models and methodology ; *International Review of Administrative Sciences*, Vol. 69, 2003.
- [26] Grande E. ; The erosion of state capacity and the european innovation policy dilemma, a comparison of German and EU information technology policies ; Vienna : Institute for Advanced Studies, 2001.
- [27] . صدیق سروسستانی ر.، ابراهیم‌بای سلامی. غ. ؛ بازگشت به دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی ، نامه علوم/اجتماعی، ج: ۲۵، ۱۳۸۴.
- [28] صباغ کرمانی م. ، باسنا م. ؛ نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه‌های دولت: مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی؛ *تحقیقات اقتصادی*، ج. ۲۳، ۱۳۸۸، ۸۶، ۴۴.
- [29] عبدالهی ا. ، ایمان م. ت. ؛ ارزیابی کارکرد اجتماعی سازمان‌های غیردولتی با نمونه سازمان‌های زیست محیطی در ایران؛ *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ج. ۲۳، ۱۳۸۵.
- [30] دانایی فرد ح. ، الوانی م. ، آذر ع. ؛ روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع؛ تهران : انتشارات صفار، ۱۳۸۷.
- [31] Creswell J. W.; Educational research: Planning, conducting and evaluating quantitative and qualitative research; Third Edition, s.l : Prentice Hal , 2007.
- [32] Kaufmann D., Krayy A. , Mastruzz M. ; Governance Matters V: Governance Indicators for 1996 ; s.l. : World Bank, 2006.
- [33] Fukuyama F. ; State building, governance and world order in the twenty-first century; London : Profile Books, 2004.